

میل کودک را بشناسید

مثل یک پرنده مادر که برای پرورش کودک او را از آشیانه بیرون می‌کند تا محدودیت‌ها و توانایی‌هایش را بشناسد...



سلامت نیوز: مثل یک پرنده مادر که برای پرورش کودک او را از آشیانه بیرون می‌کند تا محدودیت‌ها و توانایی‌هایش را بشناسد باید به فرزندانش یاد بدهیم که آنها چه هستند و چه محدودیت‌ها و قابلیت‌هایی دارند. بدون ایجاد شوق و انگیزه برای اینکه کودکانمان از جا بلند شوند و تلاش کنند آنها بنابر طبیعت ترسویشان همیشه می‌نشینند تا از خدمات دیگران استفاده کنند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از اطلاعات؛ برای شروع بهتر است که ابتدا انتظارات و توقعات خانوادگی‌تان را مشخص کنید. شما می‌خواهید کودکان توانایی‌هایش را شکوفا کند. اما کدام توانایی‌ها؟ مثلاً کودک شما به موسیقی علاقمند است. پس باید در او شوق یادگیری و امکانات آموزش موسیقی را فراهم کنید. اما قبل از در اختیار قرار دادن امکانات باید او را با اهداف و منافع این فعالیت آشنا کنید. چرا او موسیقی می‌نوازد؟ تا کی می‌خواهد به آموزش موسیقی ادامه بدهد؟ اگر موفق نشود چگونه احساساتش را کنترل خواهد کرد؟ اگر روزی به موفقیت‌های بزرگی در زمینه ی موسیقی رسید چگونه احساس غرورش را کنترل خواهد کرد؟

نکته‌ای که باید توجه کنید آن است که وظیفه ی شما ایجاد شوق و انگیزه در به کار بردن استعدادهایی است که او خودش برای آنها محرک‌های قوی ندارد. وقتی کودک شما این انگیزه را دارد که سخت درس بخواند تا نمره خوبی بگیرد نیاز به تهنیت و تشویق زیادی از سوی پدر و مادرش ندارد. زمانی شما باید انگیزه‌های کودک را در او بیدار کنید که می‌بینید او به جای بهره بردن از فرصت‌ها و توانایی‌ها برای موفقیت پای بازی‌های کامپیوتری‌اش نشسته و هیچ هدفی برای پیشرفت در نظر ندارد.

جرقه‌ها را پیدا کنید

کودکان خردسال شوق یادگیری زیادی دارند. همه چیز برای آنها تازگی دارد و از بیشتر دانستن لذت می‌برند. اما هرچه بزرگتر می‌شوند انگیزه یادگیری آنها کمتر می‌شود. برای یک کودک در سال چهارم دبستان بازی کامپیوتری از یادگرفتن جدول ضرب جالب‌تر است. در حالیکه یک کودک پنج ساله با علاقمندی شمارش اعداد را یاد می‌گیرد و یا روابط علت و معلولی را کشف می‌کند.

زمانی که می‌بینید کودکان شوق و هیجان یادگیری را ندارد از خودتان پرسید چرا و چطور این اتفاق افتاد. یکی از دلایل مهم بی‌انگیزگی فشار اطرافیان و بیش از اندازه زیر نظر گرفتن و ارزیابی فعالیت و توانایی کودک است. آیا شما اینگونه رفتار کرده‌اید؟ آیا مدام به کودکان تذکر داده‌اید که چه بازی‌هایی بکنند؟ چه درس‌هایی را بخواند و چه دوستانی داشته باشد؟

کودک شما به چه چیزی علاقه دارد؟ ابتدا علایق کودکان را شناسایی کنید. داستان‌پردازی؟ بازی‌های کامپیوتری؟ ورزش؟ او را تشویق کنید تا کار مورد علاقه‌اش را انجام بدهد. از او بخواهید تلاش کند. مسلماً وقتی تلاش‌هایش نتیجه مثبتی داشته باشند او احساس موفقیت را به خوبی درک خواهد کرد. همین کار را در مورد کارهایی که او زیاد به آنها علاقمند نیست اما برایش ضروری است امتحان کنید. او را به سوی تلاش و تمرین بیشتر سوق بدهید. تلاش همیشه نتیجه مثبتی در پی خواهد داشت حتی اگر او مجبور شود چندین شکست را تجربه کند. یادتان باشد که او باید علایق خودش را دنبال کند نه خواسته‌ها و علاقمندی‌هایی که شما می‌خواهید.

روی تلاش‌ها تمرکز کنید

بیشتر کودکان امروزی تلاش گر نیستند زیرا از شکست می‌ترسند. واکنش پدر و مادرها هم در برابر شکست کودکان چیزی نیست جز اینکه #171؛اگه شکست بخوری بازنده‌ای» بنابراین کودک به جای تلاش بیشتر برای موفقیت، همه چیز را رها می‌کند و مسئولیت انجام کارهای مفید و ارزشمند را نمی‌پذیرد. کودک را از شکست نترسانید. به او بیاموزید که همیشه فرصت برای جبران شکست وجود دارد به او بگویید که جوان است و می‌تواند دوباره تلاش کند و به خواسته‌هایش برسد.

هیجان‌های کاذب را کم کنید و بر تلاش‌های کودکان تمرکز کنید. مهم نیست که او برنده می‌شود یا بازنده. اصلاً لزومی ندارد قبل و بعد از اعلام نتایج درباره پیروزی یا باختن حرفی بزنید. در همه حال فقط ستایشگر تلاش‌های کودکان باشید. #171؛ تو باید برنده بشی» فقط انگیزه‌های کودک را می‌کشد. به هر حال کودک باید قبول کند ممکن است دیگران از او بهتر باشند و استعداد‌های برتر از او نیز وجود دارند اما او تلاش می‌کند تا برای خودش کاری کرده باشد صرف‌نظر از اینکه ممکن است برنده شود یا بازنده.

در مدرسه و در فعالیت‌های ورزشی رقابت بسیار گسترده و شدید است. در مدرسه انگیزه‌های درونی کودک به سمت برتری‌های هوشی سوق داده می‌شود. اگر کودک با وجود همه تلاش‌هایی که می‌کند به موفقیتی که می‌خواهد نرسد بعد از مدتی بخاطر این احساس که #171؛ من زیاد باهوش نیستم» دست از تلاش می‌کشد. چیزی که کودک نمی‌تواند درست تشخیص بدهد این است که تلاش‌های مستمر می‌توانند موفقیت بیافرینند و هوش به تنهایی باعث موفقیت نیست.

برای کودکی که با وجود تلاش‌های زیاد نمی‌تواند در درس پیشرفت کند شما باید کمک‌های خاص و ویژه‌ای در نظر بگیرید. باید از معلم مدرسه کمک بگیرید. کودک ممکن است مشکل قدرت تمرکز، اضطراب و عادت‌های رفتاری غلطی داشته باشد که او را از موفقیت دور کنند. این نکات بسیار مهم هستند و شما باید به جای قضاوت کردن که او کم هوش، بی‌عرضه و ناتوان است به دنبال ریشه مشکلاتش باشید. ریشه مشکلات و ضعف‌های کودکان چیست؟ آن را پیدا کنید و به او کمک کنید تا مشکلاتش را حل کند. مطمئن باشید که هر انسانی یک توانایی یا مهارت خاص و متمایزی از دیگران دارد. کافی است استعداد کودکان را پیدا کنید و آن را رشد بدهید.

بازگشت

گاهی بعضی از فعالیت‌ها و تلاش‌های کودک برای رسیدن به هدفی است که اصلاً مناسب او نیستند. اگر کودک استعداد خاص موسیقی نداشته باشد نمی‌تواند یک ویولونیست شود. مهارت‌های بدنی هم همینطورند. همه نمی‌توانند فوتبالیست یا ژیمناست بشوند. شما باید این مساله را درک کنید و جلوی تلاش‌های کودک را بگیرید. با این حال هیچ وقت کودک را وسط دوره ی کلاس‌ها از تلاش کردن منصرف نکنید. اجازه بدهید او تا پایان یک دوره آموزش ببیند.

علاوه بر این نوع تشویق‌های شما باید صحیح باشند. کودک باید شوق و انگیزه‌ای درونی برای یادگیری و ابراز توانایی‌هایش داشته باشد. او نباید بخاطر اصرار شما موسیقی دان بشود. او باید استعداد درونی یادگیری موسیقی را داشته باشد. پس اگر احساس می‌کنید کودکان برای کاری که شما اصرار دارید به زحمت افتاده است رها کنید و اجازه بدهید در مسیر درستی حرکت کند و برای کارهای مورد علاقه‌اش تلاش کند.

مراقب باشید که علایق و سلیق خودتان را به کودک تحمیل نکنید. شاید شما به دنبال تحقق رویای قهرمانی کودکان در شنا باشید اما کودکان یک کتابخوان حرفه‌ای یا تحلیل‌گر خوب مسایل باشد.

گاهی کودک با شوق و هیجان کاری را شروع می‌کند اما بعد از مدتی آن را رها می‌کند. اگر کودکان بعد از چند سال آموزش شنا و موفقیت در آن ورزش را رها کرد خیلی تعجب نکنید. گاهی کودک احساس می‌کند به اندازه کافی تلاش کرده و علاقه ادامه بیشتری ندارد و خواهان تجربه فعالیت‌های دیگر است. این کاملاً طبیعی است و شما باید آن را درک کنید.

چه چیزی باعث می‌شود کودکان بیشتر از اینکه روی یک فعالیت سودمند تمرکز و تلاش کند هر روز ساعت‌های طولانی را به تماشای باب اسفنجی می‌گذرانند؟ ساده است زیرا در کودک شما شوق کافی برای کاری بهتر ایجاد نشده است.

تلویزیون را خاموش کنید. کودک را بنشانید و به او توضیح بدهید که او کارهای مهم‌تری دارد. کارهایی که ممکن است خیلی سرگرم‌کننده نباشند اما وظایفی هستند که آینده او را می‌سازند. کارتون دیدن خوب است اما او بیشتر از باب اسفنجی نیاز به آموزش ریاضی دارد و وظایف اصلی او هرچند خیلی سخت باشند و یا چندان سرگرم‌کننده نباشند در آینده او تأثیر مهمی می‌گذارند.

اگر نمرات درسی کودکان خوب نیست یک دلیل اصلی دارد. او درست درس نمی‌خواند. با کودک گفتگو کنید از او بپرسید وقتی نمره پایینی می‌گیرد چه احساسی پیدا می‌کند؟ مسلماً به شما می‌گوید که ناراحت می‌شود و احساس ناکامی می‌کند. اکنون زمانی است که شما می‌توانید در او شوق درس خواندن را بیدار کنید. او را تشویق کنید به جای اینکه بترسد و احساس شکست کند از شما و از هر ابزاری که می‌تواند در موفقیت‌اش تأثیر بگذارد کمک بگیرید.

به کودکان یاد بدهید که هدف‌های درستی را برای تلاش‌هایش در نظر بگیرد. خیلی غرورآفرین است که او آنقدر در موسیقی

پیشرفت کند که به آکادمی موسیقی راه پیدا کند اما ارزشمندتر از آن این است که او یک زبان تازه در جهان هستی را می‌داند. او زبان موسیقی می‌داند و این همان چیزی است که او را از دیگران متمایز می‌کند.

اگر کودک بتواند بین توانایی‌ها و انتظارات خانواده تعادل برقرار کند انگیزه‌های درونی‌اش برای پیشرفت و رسیدن به موفقیت بیشتر می‌شوند. زمانی که شما انتظاراتتان متناسب با توانایی‌های کودک است او را در مسیر درست هدایت می‌کنید و کودک با شوق و شور بیشتری تلاش می‌کند زیرا هم رضایت درونی به دست می‌آورد و هم شما را خوشحال می‌کند.

آیا کودک توانایی رسیدن به هدف‌های بزرگ را دارد؟

رشد مهارت‌ها و توانایی‌های کودک برای ایجاد انگیزه و رسیدن به موفقیت ضروری هستند. خیلی خوب است که کودک‌تان بتواند نقاشی کند اما آیا مهارت‌های فکری و توانایی قلم به دست گرفتن را دارد؟ آیا توقع شما متناسب با شرایط روحی و فیزیکی کودک است. کودکی ممکن است در 5 سالگی بخواند و بنویسد اما ممکن است فرزند شما تا پایان 6 سالگی این توانایی خاص را به دست نیاورده باشد. اگر او مثل خواهرزاده یا برادرزاده‌تان نمی‌تواند خیلی خوب نقاشی بکشد شاید به یکی از این دلایل باشد. یا این توانایی را کاملاً به دست نیاورده است و یا اصلاً استعدادی در این زمینه ندارد.

اجازه بدهید کودک‌تان علاقمندی‌های خودش را دنبال کند و مطمئن باشید که اگر نقش حمایتگر‌تان را درست انجام بدهید فرزندتان موفقیت‌های بسیاری در زندگی‌اش به دست خواهد آورد. نباید کودک‌تان را با برترین‌ها مقایسه کنید، او را یک انسان منحصر به فرد و متفاوت از دیگران ببینید و جهان متفاوت‌اش را بپذیرید و برای پیشرفت در زندگی خودش کمکش کنید.